

چالش‌های یادگیری مهارت پرسشگری فلسفی بین دانشجویان و ارائه راهکارهایی برای آن

مظهر بابایی*، هدیه ازغ**

چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر، تحلیل چالش‌های یادگیری مهارت پرسشگری فلسفی و راهکارهایی برای آن بود. میدان پژوهش شامل دانشجومعلم‌ان پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان استان کردستان در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ بود. برای دستیابی به این هدف، از روش تحلیل مضمون به شیوه براون و کلارک و ابزار مصاحبه کیفی نیمه‌ساختاریافته و نمونه‌گیری در دسترس که ۵۴ نفر از دانشجومعلم‌ان استان کردستان بودند بهره برده شد. یافته‌های پژوهش در دو گام حاصل شد: گام نخست، ریشه‌یابی و علل عدم مهارت پرسشگری فلسفی از دید دانشجومعلم‌ان بود که در قالب مضمون، مقوله و مفهوم دسته‌بندی شدند. نتایج نشان داد که عامل اصلی عدم پرسشگری فلسفی نخست خود دانشجومعلم‌ان و پس از آن اساتید هستند و حوزه فضای مجازی با کمترین مضمون دارای تأثیر کمتری در عدم پرسشگری فلسفی دانشجومعلم‌ان است. گام دوم، شامل ارائه راهکارهایی برای طرح پرسشگری فلسفی از نگره دانشجومعلم‌ان بود که مفاهیم آن نیز مقوله‌بندی شد. یافته‌ها بیانگر این امر است که عوامل متعددی از قبیل دانشجومعلم‌ان و اساتید، محیط آموزشی، اجتماعی و خانوادگی می‌توانند با هماهنگی هم در تقویت مهارت پرسشگری فلسفی دانشجومعلم‌ان مؤثر واقع شوند. در این راستا پیشنهاد می‌شود برای تقویت روحیه پرسشگری فلسفی دانشجویان، نهادهای تربیتی و آموزشی تعامل سازنده و پویا با دانش‌آموزان داشته و روحیه پرسشگری و کنجکاوانه آن‌ها را سرکوب نکنند.

واژه‌های کلیدی: چالش‌ها، راهکارها، مهارت پرسشگری فلسفی، یادگیری

* استادیار، گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، m.babaie@cfu.ac.ir

** دانش‌آموخته آموزش ابتدایی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. hedyeh.1376a@gmail.com

مقدمه

آموزش و پرورش، مسئول و ملزم به پرورش افرادی دارای اندیشه انتقادی، متفکر و خلاق است. در واقع، رسالت جدید نظام‌های آموزشی، متناسب با عصر فعلی، قادر ساختن نسل جدید به گشت‌وگذار جدی، جهت‌دار و هدف‌مند در منابع بی‌حد و حصر اطلاعاتی است که مهم‌ترین پیش‌نیاز آن را باید مجهولات و پرسش‌های فرد دانست (Jafari & Liaqatdar, 2013). چراکه موضوع اساسی، تربیت انسان‌هایی است که توانایی درست فکر کردن را داشته باشند. در واقع، افراد برای روبه‌رو شدن با تحولات چشمگیر قرن بیست و یکم، باید به‌طور فزاینده‌ای مهارت‌های تفکر را جهت تصمیم‌گیری مناسب و حل مسائل پیچیده در جامعه به دست‌آورند (Roohi et al., 2023). از همین رو یکی از هدف‌های علمی و آموزشی در ایران نیز تقویت حس کنجکاوی و روحیه پرسشگری در تمام زمینه‌ها است (Keyvani Hafshejani, 2012). بنابراین آنچه که مورد نیاز انسان‌ها و سازمان‌های امروزی است تا در عصر تحولات سریع آن‌ها را یاری داده و به تعادل و پیشرفت‌های بی‌شمار دست یابند، توجه به پرسشگری و درگیرکردن ذهن کودکان و نوجوانان به پرسش‌های فلسفی و نقطه راه‌اندازی تفکر در آن‌ها است (Shakibae et al., 2011).

پرسشگری توانایی است که از کودکی در انسان وجود دارد و در صورت مناسب بودن شرایط محیطی و پرورش یافتن آن باعث رشد و کمال وی می‌شود. چنان‌که بعضی رویکردها ناب‌ترین و مهم‌ترین ویژگی انسان را پرسشگری وی می‌دانند (Gharibi et al., 2013). هنر پرسشگری به‌عنوان مؤثرترین ابزار در عرصه تربیت مورد توجه است. اگر پرسش به‌صورت مناسب و در زمان مناسب مورد استفاده قرار گیرد، می‌تواند در همه‌جا برای همه موقعیت‌ها و همه انواع یادگیری مفید واقع شود (Sajadieh & Tusian Khalilabad, 2017). با توجه به اینکه دانش‌آموزان در دوران تحصیلی با مسائل متعددی روبه‌رو هستند که می‌تواند سطح تلاش آن‌ها را تحت‌تأثیر خود قرار داده و پیشرفت و عملکرد دانش‌آموزان را با فراز و فرود مواجه سازد (Bavari et al., 2023)، بنابراین توجه به بعد پرسشگری، درگیرکردن ذهن با پرسش‌ها و بحث و گفت‌وگو درباره آن‌ها می‌تواند نقطه آغاز تفکر در دانش‌آموزان برای رویارویی با مسائل مختلف باشد (Shahabadi et al., 2016) و به‌عنوان راهبردی کلیدی برای تشویق دانش‌آموزان به تفکر انتقادی در نظر گرفته می‌شود (Etemadzadeh et al., 2013)؛ از این‌رو پرسشگری، عنصری کلیدی در فرایند یادگیری است و به فراگیران می‌آموزد تا از طریق ترکیب دانش قبلی و اطلاعات جدید خود، هدایت یادگیری خویش را به دست بگیرند (Jafari & Liaqatdar, 2013).

بر همین اساس پرسش‌های بنیادین یا فلسفی، کلید تفکر خلاقانه، یادگیری عمیق و زندگی ثمربخش هستند (Elder & Paul, 2019/1398) و یکی از مهم‌ترین مهارت‌ها، مهارت یادگیری از راه پرسش کردن است (Yagoubi, 2009). از یک سو نیز از یک سن خاص، کودکان معمولاً شروع

به طرح پرسش‌های کودکانه می‌کنند و آن‌ها را با صراحت تمام می‌پرسند. به بیان دیگر، «دوران کودکی یک پارچه پرسش است؛ پرسش‌هایی که جهان شگفتی آن‌ها را برمی‌انگیزد و می‌سازد.» (Klock & Martin, 2008/1387, p. 3). اما این پرسش‌ها به مرور به علت آموزش نادرست و یا بی‌توجهی و کم‌ارزش قائل شدن والدین و معلمان و اطرافیان، کاهش پیدا کرده و رنگ می‌بازد. از سوی دیگر، امروزه آنچه در نظام‌های آموزشی به‌ویژه در مسئولان آموزش و پرورش، مدیران مدارس یا معلمان می‌توان مشاهده کرد این است که به‌رغم پذیرفتن این فرض که فکرکردن راه را برای آموزش باز می‌کند، چندان رغبتی در تشویق شاگردان به پرسشگری و تفکر ملاحظه نمی‌شود (Shabani, 2008, cited in Keyvani Hafshejani, 2012). و معلمان تا زمانی که خود به این مهارت مسلط نباشند و پرسشگر حرفه‌ای نباشند نمی‌توانند این مهارت را به دانش‌آموزان خود نیز انتقال دهند؛ بنابراین پژوهش حاضر به دنبال بررسی موانع و چالش‌های مهارت پرسشگری در دانشجو معلمان است. اما با توجه به اینکه پژوهش درخصوص تبیین چالش‌ها و راهکارهایی برای آن در میان افراد مختلف و از جمله دانشجویان، تقریباً نادر است، از این‌رو به نتایج برخی از پژوهش‌های مشابه پرداخته می‌شود.

پژوهشی با عنوان «شناسایی موانع خانوادگی مؤثر بر پرسشگری دانش‌آموزان دوره ابتدایی» توسط Hayati et al. (2018)، صورت گرفته است که در آن پژوهشگران بیان می‌کنند، عامل «عدم تشویق فرزندان برای پرسیدن سؤال و همراهی نکردن آنان در مسائل علمی» از مهم‌ترین مانع خانوادگی مؤثر بر پرسشگری دانش‌آموزان دوره ابتدایی است. همچنین پژوهش دیگری با عنوان «اثر بخشی آموزش‌های مهارت‌های پرسشگری و توضیح به معلمان بر خلاقیت دانش‌آموزان دوره متوسطه» که توسط Ganji et al. (2012) انجام شد نشان داد که خلاقیت از شاکله‌های اصلی پرسشگری، تنوع و در نتیجه عمیق‌تر شدن فرد است و آموزش مهارت‌های پرسشگری و توضیح‌دادن به معلمان، باعث افزایش خلاقیت دانش‌آموزان می‌گردد.

در پژوهشی دیگر که توسط Haynes (2007) صورت گرفته است، نتایج بیانگر این امر است که مشارکت در پرسش‌های باز از سوی شاگردان، منجر به افزایش عزت‌نفس یادگیرندگان می‌شود و دارای تأثیر مثبت بر توانایی شناختی و استدلال است (Haynes, 2007). در نهایت در پژوهشی دیگر که توسط Chin and Osborne (2008) با عنوان «پرسش‌های دانش‌آموزان: منبعی بالقوه برای آموزش و یادگیری علم» صورت گرفت، نتایج نشان داد که پرسش‌های دانش‌آموزان می‌تواند به آن‌ها در نظارت بر یادگیری، کاوش و چهارچوب‌بندی ایده‌های خود، هدایت تفکر در جهت‌های خاص و ارتقای درک خود از مفاهیم و پدیده‌های علمی کمک کند. برای معلمان نیز این نوع پرسش‌ها می‌تواند به‌عنوان شاخص مشکلات یادگیری دانش‌آموزان مورد استفاده قرار گیرد.

همین مسئله به‌وفور در میان دانشجویان دانشگاه‌ها و تحصیلات تکمیلی نیز یافت می‌شود و

چه‌بسا بسیاری از اساتید، بارها با این مسئله مواجهه شده‌اند و بنابراین احتمالاً بتوان یکی از عوامل اصلی کاهش خلاقیت و نوآوری در دانشجویان را نیز با این مسئله در ارتباط دانست. امری که می‌تواند بر خلاقیت و نوآوری و حتی نگرش آن‌ها به جهان و زندگی‌شان بسیار مؤثر باشد. از این‌رو، شناسایی و ریشه‌یابی این مسئله، به‌ویژه از نگره و زبان خود دانشجویان و یافتن راهکارهایی برای تقویت عوامل مؤثر بر ارتقای روحیه پرسشگری‌شان، اهمیت بسیار زیادی دارد. بر چنین زمینه‌هایی، هدف اصلی پژوهش حاضر، تحلیل چالش‌های پیش روی مهارت پرسشگری فلسفی در میان دانشجویان معلمان است. به بیان دیگر، چرا دانشجویان اغلب فاقد مهارت طرح و بهره‌وری از پرسشگری فلسفی هستند و ذهن کنجکاوی جهت مطرح نمودن پرسش‌های خود ندارند و آیا راهکارهایی برای خروج از این مسئله وجود دارد؟ از این‌رو، این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها بود: ۱. دیدگاه دانشجویان معلمان در مورد چالش‌های یادگیری مهارت طرح پرسشگری فلسفی در دانشجویان معلمان چیست؟ ۲. چه راهکارهایی برای برون‌رفت از این چالش از نگره دانشجویان معلمان وجود دارد؟

روش پژوهش

از آنجاکه پژوهش کنونی از نظر هدف، کاربردی و از نظر رویکرد، کیفی است؛ بنابراین به اقتضای هدف و سؤالات، از روش تحلیل مضمون به شیوه Braun and Clarke (2006) به‌عنوان یکی از شیوه‌های متداول پژوهش تحلیل محتوا و مصاحبه کیفی نیمه‌ساختاریافته و نمونه‌گیری در دسترس، بهره برده شد. علت انتخاب این روش نمونه‌گیری، تعامل نزدیک و دسترسی پژوهشگران به دانشجویان به‌عنوان میدان پژوهش و تشخیص مسئله در میان آن‌ها و انگیزه آن‌ها جهت مشارکت اختیاری در این پژوهش بود. در تکنیک تحلیل مضمون، اطلاعات براساس موضوع در دسته‌های معنادار طبقه‌بندی می‌شوند تا بتوان نظر پاسخ‌دهندگان را خلاصه و تحلیل کرد (Khanifar & Muslimi, 2019, p. 58). مشارکت‌کنندگان بالقوه پژوهش شامل دانشجویان معلمان زن و مرد ترم‌های سوم و چهارم دانشگاه فرهنگیان پردیس‌های استان کردستان در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ بود. با استفاده از نمونه‌گیری در دسترس، تعداد ۳۳ زن و ۲۱ مرد با طیف سنی ۱۹-۲۴ سال در دوره کارشناسی رشته علوم تربیتی انتخاب شدند. ابزار پژوهش نیز مصاحبه نیمه‌ساختاریافته محقق‌ساخته بود. مدت‌زمان هر مصاحبه ۲۰ تا ۳۰ دقیقه بود. این پژوهش در دو گام اصلی به شرح زیر انجام پذیرفت:

در گام نخست، بعد از انتخاب و پیاده‌سازی پاسخ مشارکت‌کنندگان، تحلیل داده‌های کیفی (کدگذاری باز) به‌صورت دستی انجام گرفت. پس از آن مضمون‌های اصلی و فرعی از رونوشت‌های مصاحبه‌ها تا زمانی که همه پژوهشگران بر این موضوع توافق کردند که مضمون‌های

بیشتری از داده‌ها نمی‌توان استخراج کرد، استخراج شدند. در واقع این مرحله، مرحله اتقان یافته‌ها و اجماع نظر پژوهشگران بود. کدهای باز اولیه نسبتاً زیاد بودند که بعد از هر مرحله از طبقه‌بندی و بررسی داده‌ها، مفاهیم تکراری حذف و مفاهیم مشابه در هم ادغام شدند. سپس به دسته‌بندی پاسخ‌ها براساس ۱۰ مؤلفه دست یافته شد.

در گام دوم، راهکارهای مرتبط با طرح پرسشگری فلسفی نیز در ۱۰ مورد دسته‌بندی شدند. برای اطمینان‌پذیری پژوهش و اطمینان از دقیق بودن یافته‌ها، این اقدامات انجام گرفت: ۱. بازنگری و بازاندیشی اسناد و رونویسی در پژوهش توسط پژوهشگران. ۲. تطبیق توسط اعضا. ۳. بررسی همکار. ۴. مشارکتی بودن پژوهش: در قسمت‌هایی از پژوهش، به‌طور هم‌زمان از نظر مشارکت‌کنندگان در تحلیل داده‌ها بهره گرفته شد.

یافته‌ها

گام اول: موانع طرح پرسش فلسفی در میان دانشجویان معلمان

برای تبیین موانع طرح پرسش‌های فلسفی از نگره دانشجویان معلمان، به دسته‌بندی پاسخ‌های آن‌ها پرداخته شد. جدول ۱ بیانگر موانع پرسش‌های فلسفی دانشجویان معلمان از نگره خود آن‌ها است.

جدول ۱. موانع پرسش‌های فلسفی افراد از نگره دانشجویان معلمان^۱

مضمون (ویژگی)	کد	مقوله‌ها	دلایل بیان شده
دلایل مرتبط با حوزه دانشجو	۱-۱	تفکر قالبی و کلیشه‌ای	- مقاومت در مقابل تغییر از طرف دانشجو. - محافظه‌کارانه فکرکردن و عدم ریسک‌پذیری دانشجو. - اتکا به احساس و پیش‌دوری‌ها به جای تفکر منطقی و استدلالی. - خودمرجعیت‌باوری دانشجویان.
	۲-۱	ناتوانی در حفظ توجه در طول بحث‌های فلسفی	- عدم عادت به گوش دادن تحلیلی. - بی‌حوصله بودن در کلاس. - درگیر بودن ذهن به مسائل و مشکلاتی خارج از کلاس.
	۳-۱	ضعف در زمینه پرسشگری فلسفی	- عدم شناخت نقاط قوت و - ترس از مورد تمسخر قرارگرفتن. - عدم توانایی در درک محدودیت‌های خاص خود.

^۱ به منظور طولانی‌نشدن مباحث، تلاش شده است تا برای نشان دادن یافته‌ها از جداول بهره گرفته شود.

- منفی‌نگری به کلاس و درس.			
۴-۱	فقدان فرهنگ پرسشگری	عدم‌اولویت‌بندی تفکر و فلسفه در میان سایر دروس.	
- کاهش رغبت نسبت به تحصیلات.			
۵-۱	عدم‌تمایل به کاوش در مباحث عمیق فلسفی	- عدم‌آشنایی با مباحث و مفاهیم فلسفی. - عدم‌توانایی نظم دادن و سازمان‌دهی به پرسش‌های خود. - نپرداختن به کندوکاو فلسفی. - ناتوانی در تحلیل و بررسی عمیق موضوعات فلسفی - مسئله‌محور نبودن.	
۲	الگوهای رفتاری والدین در عدم پرسشگری	- موقعیت محیط خانوادگی متریبان. - عدم‌توجه خانواده‌ها به انواع پرسش‌های فرزندان.	دلایل مرتبط با حوزه خانواده
۱-۳	پیش‌داوری و تعصب	- مقاومت برای تغییر روش و نگرش از طرف اساتید. - مرجعیت‌باوری اساتید.	
۲-۳	عدم‌توانایی در مدیریت پرسش‌های چالش‌انگیز	- نداشتن «مهارت نه گفتن» از طرف اساتید. - بی‌توجهی به پرسش‌های دانشجویان. - ارائه پاسخ آماده اساتید به پرسش‌ها بعد از طرح آن.	دلایل مرتبط با حوزه اساتید
۳-۳	فقدان شوق و اشتیاق در تدریس فلسفه	- فقدان انگیزه و علاقه به کاوش در مسائل فلسفی. - پایین بودن میزان انگیزه اغلب اساتید. - عدم‌رعایت عدالت در برخورد با دانشجویان.	
۱-۴	فقدان انگیزه و تمایل برای مشارکت در بحث‌های فلسفی	- عدم‌شرکت فعالانه دیگر دانشجویان در بحث.	
۲-۴	نگرانی از ایجاد تنش و درگیری در کلاس درس	- ترس از مورد تمسخر قرارگرفتن حین پرسیدن سؤال از سوی برخی دانشجویان کلاس. - ترس از برچسب خوردن از طرف دیگر دانشجویان مانند: دانشجوی درس‌خوان و... - ترس از تحریک عواطف دیگر دانشجویان مانند حس حسادت و رقابت آن‌ها.	دلایل مرتبط با حوزه هم‌کلاسی‌ها

<p>دلائل مرتبط با حوزه محیط آموزشی</p> <p>۵</p> <p>محدودیت تعامل و آزادی در پرستشگری دانشجویان</p>	<p>عدم اختیار دانشجومعلم‌ان در پرسش از هر مبحثی.</p> <p>- تعامل ناکافی استاد و دانشجومعلم‌ان در بستر محیط آموزشی.</p>
<p>دلائل مرتبط با حوزه محتوای آموزشی</p> <p>۱-۶</p> <p>عدم تناسب و کارایی نظام آموزشی در پرورش پرستشگری</p>	<p>- بها ندادن به حس کنجکاوی و پرستشگری در محتوای کتب درسی.</p> <p>- عدم وجود دوره‌های آموزشی به‌روز در ارتباط با محتوای آموزشی.</p>
<p>دلائل مرتبط با حوزه محتوای آموزشی</p> <p>۲-۶</p> <p>عدم تناسب و کارایی محتوا در پرورش پرستشگری</p>	<p>- مناسب نبودن مطالب آموزشی.</p> <p>- کلیشه‌ای و تکراری بودن مطالب درسی.</p> <p>- نظری و دور بودن مطالب از واقعیات زندگی.</p>
<p>دلائل مرتبط با حوزه شرایط اجتماعی و اقتصادی جامعه</p> <p>۷</p> <p>محدودیت‌های پیشرفت در حرفه معلمی</p>	<p>- کاهش رغبت دانشجومعلم‌ان نسبت به آینده.</p> <p>- موقعیت فرهنگی و اجتماعی دانشجویان.</p> <p>- روی‌آوری به بازار کار جهت تأمین نیازهای اولیه خود.</p>
<p>دلائل مرتبط با حوزه روش‌های تدریس</p> <p>۱-۸</p> <p>رویکردهای آموزشی نامناسب و محدود کننده خلاقیت و پرستشگری</p>	<p>- عدم اجازه به دانشجومعلم‌ان برای تفکر و تأمل در پرسش‌های دیگر.</p> <p>- عادت به گشتن دنبال پاسخ صحیح.</p> <p>- داشتن تلقی صرفاً منطقی از دانش.</p>
<p>دلائل مرتبط با حوزه سابقه آموزشی دانشجو</p> <p>۲-۸</p> <p>فقدان تنوع و جذابیت در روش‌های تدریس</p>	<p>- نحوه و روش بیان ادای مطالب توسط اساتید.</p>
<p>دلائل مرتبط با حوزه سابقه آموزشی دانشجو</p> <p>۱-۹</p> <p>عدم آموزش مهارت‌های پرستشگری</p>	<p>- عدم آموختن مهارت‌های پرستشگری و عقلانی.</p>
<p>دلائل مرتبط با حوزه فضای مجازی</p> <p>۲-۹</p> <p>تجربیات آموزشی منفی و محدود کننده پرستشگری</p>	<p>- ترس از انجام تکلیف متکثر و متفاوت با رویه عادی.</p>
<p>دلائل مرتبط با حوزه فضای مجازی</p> <p>۱۰</p> <p>فرهنگ فوری و کم عمق فضای مجازی</p>	<p>- گسترش فضای مجازی و دردسترس بودن اطلاعات.</p>

به منظور روشن‌سازی دلایل موانع طرح پرسش‌های فلسفی از طرف دانشجویان، به تشریح کوتاه هر کدام از موارد ده‌گانه فوق پرداخته می‌شود.

مضمون اول: دلایل مرتبط با حوزه دانشجو: این عامل که شامل پنج مقوله و هفده مفهوم است، بیشتر به شرایط خاص دانشجومعلم‌ان برمی‌گردد. به‌طور کلی دانشجویان به دلایلی از جمله

تفکرات کلیشه‌ای، فقدان فرهنگ پرسشگری، عدم شناخت نقاط قوت و ضعف خود و ... کمتر به خود اجازه می‌دهند تا پرسش‌های فلسفی بپرسند. بیشتر مسائل این حوزه به حالات روانی و روحی دانشجومعلمیان مرتبط است.

مضمون دوم: دلایل مرتبط با حوزه خانواده: این مضمون که شامل یک مقوله و دو مفهوم است، نقش اساسی در پرورش تفکر انتقادی و مهارت پرسشگری در کودکان دارد. در واقع، از آنجاکه خانواده اولین محل تربیت و شکل‌گیری شخصیت فرد است، پس می‌تواند هم نقش مثبت و اثرگذار و هم نقش منفی پررنگی را در زندگی فرد ایفا کند.

مضمون سوم: دلایل مرتبط با حوزه اساتید: این مضمون که شامل سه مقوله و هشت مفهوم است نقش مؤثری در پرورش تفکر انتقادی و ارتقای کیفیت یادگیری در دانشجویان دارد. اساتید از این جهت که تفکرات خود را با دانشجومعلمیان به اشتراک می‌گذارند، می‌توانند در تکمیل شدن یا شکل‌گیری مهارت پرسشگری دانشجو سهم بزرگی داشته باشند. بیشتر دلایل مربوط به اساتید در این زمینه، پیش‌داوری، عدم توانایی مدیریت پرسش‌های چالش‌برانگیز و فقدان شور و اشتیاق در تدریس فلسفه است.

مضمون چهارم: دلایل مرتبط با حوزه هم‌کلاسی‌ها: هم‌کلاسی‌ها از این جهت که فضای بیرونی و اجتماعی و نقطه آغاز روابط اجتماعی را تشکیل می‌دهند، در ترغیب یا مانع شدن در طرح پرسش بسیار تأثیرگذار هستند. توجه این حوزه بیشتر به دو مقوله فقدان انگیزه و تمایل برای مشارکت در بحث‌های فلسفی و نگرانی از ایجاد تنش و درگیری در کلاس درس است که خود شامل چهار مفهوم جزئی دیگر هستند. مشارکت نکردن دانشجومعلمیان می‌تواند آثاری چون تضعیف روابط علمی میان دانشجویان و تضعیف انگیزه دانشجومعلمیان در کلاس درس برای طرح پرسشگری در فرایند یادگیری داشته باشد.

مضمون پنجم: دلایل مرتبط با حوزه محیط آموزشی: محیط آموزشی هرچه منعطف‌تر باشد، دانشجومعلمیان قدرت بیشتری برای بحث و یادگیری از طریق مطرح کردن پرسش دارند. مفاهیم این مضمون که دو مورد هستند، در مقوله‌ای با عنوان محدودیت تعامل و آزادی در پرسشگری دانشجویان قابل دسته‌بندی هستند؛ چراکه نوع فضای حاکم بر محیط و میزان تعامل و بحث‌های آزاد دانشجویان در امر پرسشگری آنان بسیار تأثیرگذار است.

مضمون ششم: دلایل مرتبط با حوزه محتوای آموزشی: محتوای آموزشی برآورده‌کننده اهداف آموزشی است. در واقع، بخش عمده‌ای از این حوزه تعیین می‌کند که دانشجومعلمیان چه چیز را از طریق پرسش فراگیرند و همین‌طور، محتوای آموزشی می‌تواند به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در سمت‌وسو دادن اندیشه استاد و دانشجومعلمیان در ارائه پرسش و پاسخ اثر بگذارد و

موانع مرتبط با این حوزه در دو مقوله عدم تناسب و کارایی نظام آموزشی در پرورش پرشگری و عدم تناسب و کارایی محتوا در پرورش پرشگری و پنج مفهوم قابل دسته‌بندی هستند.

مضمون هفتم: دلایل مرتبط با حوزه شرایط اجتماعی و اقتصادی جامعه: موقعیت اجتماعی و اقتصادی همواره در فرهنگ و تفکر و آموزش و روابط اجتماعی افراد اثرگذار است. موقعیت اجتماعی و اقتصادی مناسب، باعث زمینه‌سازی جهت آرامش، افزایش اعتمادبه‌نفس، مطالعه، تفکر و در نتیجه پرشگری بیشتر می‌شود و شرایط اجتماعی و اقتصادی نامناسب، نتیجه عکس می‌دهد و پرشگری فلسفی را از فرد سلب می‌کند. این مفاهیم که سه مورد هستند، در یک مقوله به نام محدودیت‌های پیشرفت در حرفه معلمی جا می‌گیرند.

مضمون هشتم: دلایل مرتبط با حوزه روش‌های تدریس: روش‌های تدریس اساتید در کلاس/ها همواره مبنای مهمی برای مشارکت/عدم مشارکت دانشجویان در کلاس درس است. از آنجاکه دانشجویان بیشتر محتوا را از طریق اساتید دریافت و اساتید آن را از طریق روش تدریس بیان می‌کنند؛ لذا اگر روش تدریس براساس برانگیختن دانشجو و ایجاد چالش و پرسش و از راه تمرین برای ذهن مخاطب باشد، در نتیجه پرشگری فلسفی می‌تواند افزایش یابد. اما اگر روش تدریس استاد به گونه‌ای باشد که دانش را به صورت کامل و بسته‌بندی شده برای فراگیر ارائه دهد، در این صورت توان پرشگری باقی نمی‌ماند. براین اساس برطبق موارد ذکر شده توسط مصاحبه‌شونده‌ها این دسته از مضمون‌ها در دو مقوله رویکردهای آموزشی نامناسب و محدودکننده خلاقیت و پرشگری و فقدان تنوع و جذابیت در روش‌های تدریس و چهار مفهوم دسته‌بندی می‌شوند.

مضمون نهم: دلایل مرتبط با حوزه سابقه آموزشی دانشجو: این مضمون نیز در دو مقوله و دو مفهوم مورد دسته‌بندی واقع شد. پایه و اساس سابقه آموزشی دانشجویان در دانشگاه‌ها به دوران آموزش و تحصیلات در دوره ابتدایی آن‌ها در خانواده و مدرسه برمی‌گردد. چراکه این دوره هم‌زمان است با دوران کنجکاو و پرشگری طبیعی کودک. اگر در این دوران با پرشگری کودک خوب مواجه شده باشند، او همواره پرشگر باقی می‌ماند. البته میزان و نحوه آموزش دانشجویان در دوره‌های بعدی نیز در این زمینه مهم هستند. چراکه روش‌های تدریس و نظام آموزشی در دوره‌های تحصیلی بالاتر نیز در آن‌ها تأثیر گذاشته است و ممکن است سبب سرکوب یا تقویت روحیه پرشگری در آن‌ها شده باشد. بسیاری از مهارت‌ها از جمله: عدم آموزش مهارت‌های پرشگری و تجربیات آموزشی منفی و محدودکننده پرشگری به سابقه آموزشی دانشجویان در دوران تحصیلاتشان برمی‌گردد و در میزان پرشگری آن‌ها تأثیرگذار است.

مضمون دهم: دلایل مرتبط با حوزه فضای مجازی: برای این مضمون نیز یک مقوله و یک مفهوم حاصل شد که شامل فرهنگ فوری و کم‌عمق فضای مجازی است. امروزه فضای مجازی و

استفاده از آن در حوزه‌های مختلف و از جمله حوزه آموزش بسیار گسترده شده است. اما این فضا علاوه بر مزایا همواره دارای آسیب‌های خاصی نیز بوده است. فضای مجازی همان قدر که می‌تواند بستر مناسبی برای یادگیری باشد، به همان اندازه نیز می‌تواند آثار مخربی چون تضعیف روحیه پرسشگری دانشجومعلم را به دنبال داشته باشد. زیرا اکنون فضای مجازی به علت فراهم نمودن مطالب و اطلاعات، تا حدود زیادی روحیه تأمل کردن، کنجکاوی، پژوهشگری و در نتیجه روحیه پرسشگری را از دانشجومعلم گرفته است.

گام دوم: راهکارهای روی آوری دانشجویان به طرح پرسشگری فلسفی

بعد از بیان و تشریح موانع طرح پرسشگری فلسفی میان دانشجویان، در گام دوم و در جدول ۲، برای هر یک از کدهای ذکر شده در جدول ۱، راهکارهای مربوط به آن شناسایی و مورد دسته‌بندی فراگیرتری (مقوله‌بندی) واقع شد.

جدول ۲. راهکارهای روی آوری به طرح پرسشگری فلسفی براساس نظر دانشجومعلم

مضمون	کد	مقوله‌ها	راهکارها
راهکارهای مرتبط با حوزه دانشجو	۱-۱	ایجاد دیدگاه پویا و متحول‌شونده در دانشجو	- ایجاد کنجکاوی و تردید علمی در دانشجو.
			- ترویج نگاه سیال به دانش.
راهکارهای مرتبط با حوزه دانشجو	۱-۱	ایجاد دیدگاه پویا و متحول‌شونده در دانشجو	- مطالعه و پژوهش‌های عمیق در مورد دیدگاه‌های مختلف.
			- نشان دادن حدود و ثغور معرفت‌شناسانه شناخت و آگاهی دانشجویان.
			- نشان دادن گستردگی و روبه‌رشد ساختار علم در جهان.
			- آموزش شناخت و پرداختن به احساسات و کنترل احساسات خود.
راهکارهای مرتبط با حوزه دانشجو	۱-۱	ایجاد دیدگاه پویا و متحول‌شونده در دانشجو	- تمرین در باب تفکیک موقعیت‌های عقل محور و احساس محور.
			- ترویج فرهنگ ریسک‌پذیری در دانشجومعلم.
			- مسئولیت‌پذیری در قبال ریسک‌ها.
			- کسب تجارب و آزمودن موارد جدید.
راهکارهای مرتبط با حوزه دانشجو	۲-۱	زمینه‌سازی برای پرسشگری و ایجاد تنوع و پویایی در محیط یادگیری	- تقویت مهارت پرسشگری از پایه ابتدایی.
			- طراحی تمرینات آموزشی برای تقویت مهارت پرسشگری در دانشجومعلم.
			- استفاده از تجربیات دانشجو در فرایند یادگیری.
			- تمرین تمرکز و موقعیت‌شناسی توسط دانشجویان.
راهکارهای مرتبط با حوزه دانشجو	۲-۱	زمینه‌سازی برای پرسشگری و ایجاد تنوع و پویایی در محیط یادگیری	- مراجعه به مشاور جهت حل نمودن مشکلات شخصی و خانوادگی.
			-

۳-۱	<p>ترویج تفکر انتقادی و فرهنگ گفت‌وگو در کلاس درس</p>	<p>- ایجاد فضای امن برای پرسشگری در کلاس درس. - اجرای مهارت‌ها و تمرین‌های رفع ترس در کلاس. - دادن فرصت تفکر و نوشتن به دانشجومعلم.</p>
۴-۱	<p>توانمندسازی دانشجومعلم از لحاظ ارتباطات برای نقش‌آفرینی در جامعه</p>	<p>- نقش‌آفرینی اقتصادی و اجتماعی دانشجومعلم. - ارتباط با دانشجویان نسل جدید و به چالش کشیدن ذهن آنان. - فراهم کردن فضایی دوستانه میان دانشجویان و اساتید به منظور نزدیک شدن به تفکرات آنان.</p>
۵-۱	<p>ترویج تفکر و پرسشگری هدفمند و سازمان‌یافته در دانشجومعلم.</p>	<p>- ایجاد انگیزه در دانشجومعلم برای محتوای جلسه آینده. - دادن پژوهش به دانشجومعلم در مورد محتوای جلسه آینده. - توضیح معیارهای پرسشگری. - هدایت و سامان‌دهی پرسش‌های دانشجومعلم. - طرح پرسش از کتاب‌ها و فیلم‌های فلسفی. - آموزش نحوه پرداختن دانشجویان به تفکرات فلسفی. - مواجهه‌سازی دانشجومعلم با مسائل رایج در جامعه برای به چالش کشیدن ذهن آنان. - تمرکز بر مسئله به جای پاسخ. - تشویق دانشجومعلم به پیدا کردن راه‌حل خلاقانه و متفاوت.</p>
۲	<p>راهکارهای مرتبط با حوزه خانواده</p>	<p>ترویج گفت‌وگوی باز و فلسفی بین فرزندان و والدین</p> <p>- درک پیشینه دانشجومعلم برای انتظارات واقع‌بینانه. - تشویق به پرسشگری در خانواده. - صداقت در پاسخ به پرسش‌های فلسفی فرزندان. - دادن فرصت تصمیم‌گیری و تجربه اشتباه به کودکان از سنین پایین توسط خانواده.</p>
۳-۱	<p>فراهم کردن فضایی تعاملی و پویا برای یادگیری متقابل</p>	<p>- ذهنی باز برای گوش دادن به صحبت‌های دانشجویان. - بهره بردن اساتید از روش‌های تدریس متنوع. - بها دادن بیشتر اساتید در کلاس و محیط‌های آموزشی به دانشجویان.</p>
۲-۳	<p>راهکارهای مرتبط با حوزه اساتید</p>	<p>توانمندسازی اساتید با مهارت «نمی‌دانم» برای ایجاد محیطی پویا و مشارکتی.</p> <p>- مسئولیت‌پذیری در قبال پاسخ‌گویی به پرسش‌ها. - تشویق به پیگیری پرسش‌ها توسط اساتید. - راهنمایی و توانمندسازی دانشجومعلم. - پاسخ پرسش دانشجومعلم با طرح پرسش. - پرسیدن نظر خود دانشجو در باب پرسش.</p>
۳-۳	<p>توانمندسازی اساتید به پرسشگری و متعهد به یادگیری مادام‌العمر برای ارتقای کیفیت</p>	<p>- داشتن انگیزه پرسشگری اساتید برای به روزرسانی دانش خود و ارائه اطلاعات درست به دانشجومعلم. - برگزاری همایش‌های کاربردی در زمینه پرسشگری توسط دانشگاه‌ها.</p>

<p>- ارتقای جایگاه و منزلت اساتید.</p> <p>- فرصت پرشگری برابر برای دانشجومعلم.</p>	آموزش عالی.	
<p>- تشویق دانشجویان به درک نیاز به بحث فلسفی.</p> <p>- آزاد گذاشتن فضای کلاسی برای پرشگری عمیق.</p> <p>- ایجاد فضای رفاقتی نه رقابتی در کلاس برای طرح پرسش‌های فلسفی بیشتر.</p>	<p>تشویق دانشجویان به یادگیری مشارکتی و تعهد به یادگیری.</p>	<p>راهکارهای مرتبط با حوزه هم‌کلاسی‌ها</p> <p>۴</p>
<p>- دادن اختیار به دانشجومعلم به پرسش از هر مبحثی (با مراعات اخلاق حرفه‌ای).</p> <p>- ارائه انتظارات شفاف اساتید.</p> <p>- حمایت عاطفی دانشجومعلم.</p> <p>- افزایش جذابیت محیط‌های آموزشی مانند استفاده از امکانات کتابخانه‌ای و... - تغییر محل کلاس در بعضی مواقع. - تغییر فضای کلاس به فضای نشاط‌انگیز و جذاب برای دانشجویان.</p>	<p>ایجاد محیطی پویا و حمایتی برای انتخاب فعالیت‌های آموزشی.</p>	<p>راهکارهای مرتبط با حوزه محیط آموزشی</p> <p>۵</p>
<p>- تعریف دوره‌های تخصصی کارگاهی برای دانشجویان.</p> <p>- طراحی سفرهای علمی در کنار محتوای درسی.</p> <p>- معرفی منابع متنوع و مرتبط با حوزه‌های پرشگری فلسفی مانند: فیلم، داستان، عکس، وب‌سایت و...</p>	<p>توجه به تنوع مواد آموزشی برای غنی‌سازی تجارب یادگیری.</p>	<p>۶-۱</p>
<p>- بررسی مطالب عمیق فلسفی در حوزه تعلیم و تربیت توسط اندیشمندان از منظر تحلیل محتوا و ارائه پیشنهادها لازم مثل: کاربردسازی مطالب، افزایش تصاویر کتاب، توجه به انسجام مطالب بین کتاب، به‌روز نمودن محتویات کتاب و توجه به نویسندگان.</p> <p>- نیازسنجی از دانشجویان درخصوص این حوزه.</p> <p>- تألیف و ترجمه منابع جدید و مسئله‌محور دانشگاهی توسط اساتید.</p> <p>- ارائه مطالب، متناسب با موقعیت اجتماعی و فرهنگی روز.</p> <p>- تطبیق مطالب با واقعیات زندگی فراگیران و ارائه تغییرات لازم.</p> <p>- ترسیم واقعیات اجتماعی به کمک بحث و گفت‌وگوی کلاسی.</p> <p>- حذف مطالب غیرکاربردی و تکراری توسط اساتید.</p> <p>- به‌روزرسانی و چالش‌برانگیزتر کردن مباحث درسی.</p>	<p>طراحی محتوای آموزشی جذاب، باکیفیت و مرتبط با دنیای امروز.</p>	<p>راهکارهای مرتبط با حوزه محتوای آموزشی</p> <p>۲-۶</p>

- ضرورت توجه حاکمیت به تأمین زیرساخت‌های مربوط به پرسشگری برای ترغیب دانشجویان به آن.	راهکارهای
- تحلیل و تبیین علمی علل رخداد این پدیده توسط اساتید به کمک دانشجویان.	مرتبط با حوزه شرایط
- ایجاد آموزش‌های در دسترس و همگانی برای همه اقشار اجتماعی.	اجتماعی و اقتصادی
- توجه به خرده‌فرهنگ‌ها و چندفرهنگی میان دانشجومعلم‌ان و بحث در مورد آن‌ها.	جامعه
- برگزاری مسابقه طرح پرسش بین دانشجومعلم‌ان از مطالب ارائه شده.	
- فراهم نهادن امکان تفکر پس از هر پرسش برای دانشجومعلم‌ان. - نوشتن محصول تفکر خود دانشجو در باب مطالب کلاسی و ارائه در کلاس جهت بحث.	استفاده از فعالیت‌های یادگیری فعال برای ترغیب دانشجومعلم‌ان به مشارکت فعال
- واکاوی ابعاد مختلف دانش (به‌خصوص در علوم انسانی) و نشان دادن پارادایم‌ها از منظر فلسفی و با روش پرسشگرانه.	راهکارهای مرتبط با حوزه
- استفاده از روش تدریس مناسب با موضوع درس برای تقویت مهارت پرسشگری.	روش‌های تدریس
- استفاده از روش‌های جدید تکنولوژی برای تدریس. - مشارکت دانشجویان در امر تدریس استاد. - نظرخواهی از دانشجومعلم‌ان در چگونگی پیشبرد روند کلاس‌ها. - پیشبرد بحث کلاسی به صورت کارگاهی و بحث و گفت‌وگو. - تغییر شیوه‌های تدریس از متکلم‌وحده به تعاملی و پرسش‌و‌پاسخ.	روش‌های تدریس نوآورانه و فعال برای ترویج پرسشگری در دانشجومعلم‌ان
- به چالش کشیدن آرای خاص فرد در باب یک موضوع جهت توسعه تفکر انتقادی و تقویت.	راهکارهای مرتبط با حوزه سابقه
- مواجهه دانشجومعلم‌ان با موقعیت‌های عقل‌محورانه. - تمرین مهارت استدلال‌آوری و استدلال‌خواهی.	مهارت‌های استدلال‌آوری
- تعیین تکالیف با مشارکت دانشجومعلم‌ان. - طرح پرسش‌های فلسفی به‌جای تنبیه. - تنوع در تکالیف فکری.	آموزشی دانشجو
- آموزش مهارت سواد رسانه‌ای به دانشجویان و نقد و ارزیابی آن‌ها.	راهکارهای مرتبط با حوزه فضای
- آموزش تفکر انتقادی در قبال محتوای آنلاین. - فرهنگ‌سازی استفاده از فضای مجازی.	تقویت سواد رسانه‌ای در عصر اطلاعات
	مجازی

در جدول ۲، راهکارها براساس نظر دانشجومعلم‌ان در زمینه چگونگی روی‌آوری به پرسشگری فلسفی مطرح شده است. ابتدا در ۱۰ مضمون مشکلات و علت‌ها به‌طور کلی دسته‌بندی شد. سپس متناسب با موانعی که در جدول ۱ ذکر شد، راهکارهای پیشنهادی شناسایی و ارائه شد. درنهایت آن‌ها را در یک دسته قرار داده و برای آن‌ها مقوله‌های فراگیرتری عنوان شد. لازم به ذکر است که این راهکارها تنها راهکارهای موجود برای رفع این مسائل نیستند. با توجه به پاسخ دانشجویان، بیشترین دلایل مربوط به عدم پرسشگری توسط دانشجویان به‌ترتیب به حوزه دانشجویان، حوزه اساتید و سپس حوزه محتوای آموزشی برمی‌گردد به همین دلیل، در این حوزه‌ها راهکارهایی مطرح شده که با اجرا شدن آن‌ها احتمالاً می‌توان این مشکلات را به‌طور ریشه‌ای بهبود بخشید.

مضمون اول: راهکارهای مرتبط با حوزه دانشجویان: مضمون مربوط به حوزه دانشجویان

خود دارای پنج مقوله و ۳۰ مفهوم است. این مفاهیم در رابطه با ایجاد دیدگاه پویا و متحول‌شونده در دانشجو، توانمندسازی دانشجومعلم‌ان از لحاظ ارتباطات، فراهم کردن فضایی تعاملی و پویا برای یادگیری متقابل، توانمندسازی اساتید به پرسشگری و متعهد به یادگیری مادام‌العمر، توسعه تفکر انتقادی و مهارت‌های استدلال‌آوری و تقویت سواد رسانه‌ای در عصر اطلاعات است. در این راستا مطالعه دانشجومعلم‌ان و بالابردن سطح آگاهی و مهارت خود در زمینه‌های مرتبط با رشته می‌تواند راهگشای بسیاری از مسائل از جمله پرسشگری بیشتر در کلاس درس و زندگی روزمره باشد.

مضمون دوم: راهکارهای مرتبط با حوزه خانواده: در این خصوص تعداد یک مقوله و چهار

مفهوم حاصل شد. خانواده نخستین مکانی است که نگرش‌ها، ارزش‌ها، افکار و پایه وجودی هر فردی در آن شکل می‌گیرد و لذا نقش مؤثری در مجهز کردن کودک به مهارت حل مشکل با استفاده از پرسشگری دارد. عدم توجه به کنجکاوی‌ها و تشویق نکردن کودک به سؤال پرسیدن و عدم آگاهی از چگونگی برخورد با پرسش‌های کودک موانعی برای فکر کردن و توانایی حل مسئله در فرد محسوب می‌شوند. لذا خانواده می‌تواند بهترین مشوق در زمینه رشد یا افزایش انگیزه به کودکان در حوزه پرسشگری باشد. در این خصوص راهکارهای بیان‌شده در رابطه با تقویت روابط خانوادگی و ترویج گفت‌وگوی باز و فلسفی بین فرزندان و والدین است.

مضمون سوم: راهکارهای مرتبط با حوزه اساتید: با توجه به نتایج جدول ۲، تعداد سه مقوله

و سیزده مفهوم حاصل شد. بنابر اظهارات شرکت‌کنندگان گاهی اساتید نیز در ادامه روند آموزشی نادرست نظام تربیتی سهیم‌اند و در برابر تغییر روند آموزشی نادرست مقاومت می‌کنند و چندان به فکر آینده نسل جوان جامعه نیستند. لذا اشتیاقی از خود برای گوش دادن به پرسش‌های فلسفی دانشجویان و ترغیب آنان به پرسشگری بروز نمی‌دهند که در این راستا راهکارهای بیان‌شده در ارتباط با تغییر رویه و به‌روز کردن روش ارائه و اطلاعات اساتید است؛ چراکه اساتید یکی از

ارکان اصلی ترغیب دانشجومعلمان به پرسشگری فلسفی هستند و از این طریق ارتباط بسیار نزدیکی با آینده نسل جوان جامعه که دانش‌آموزان این دانشجومعلمان هستند خواهند داشت و این کار با وجود اساتید خبره و متخصص در رشته و گرایش خود امکان‌پذیر است.

مضمون چهارم: راهکارهای مرتبط با حوزه هم‌کلاسی‌ها: این حوزه دارای یک مقوله و سه مفهوم است. راهکارهای بیان‌شده در این خصوص در ارتباط با ترغیب دانشجویان به احساس نیاز به مباحث فلسفی و فراهم نمودن بستر مناسب برای پرسشگری در کلاس درس است. احساس نیاز دانشجویان به پرسشگری و مباحث فلسفی در ترغیب به پرسشگری در موقعیت‌های گوناگون تأثیر دارد. بر این اساس دانشجویان باید احساس نیاز خود به مطلب مورد نظر را درک کنند و همچنین محتوای طراحی شده می‌بایست برای دانشجومعلمان مفید باشد و انگیزه آنان را برای شرکت در بحث فلسفی حفظ کند. در این صورت است که دانشگاه رنگ‌وبوی دیگری خواهد گرفت و به سمت وسوی علمی و پویا بودن پیش می‌رود.

مضمون پنجم: راهکارهای مرتبط با حوزه محیط آموزشی: این حوزه شامل یک مقوله و شش مفهوم است و بیانگر نقش حمایتی دانشگاه در ترغیب دانشجویان به پرسشگری است. بر اساس نتایج جدول ۲، دانشگاه فرهنگیان ملزم به ایجاد محیطی امن برای دانشجویان است که در آن آزادانه به انتقاد از محیط اطراف خود بپردازند. همچنین با توجه به اینکه تعامل و ارتباط دانشجو با استاد فقط مختص به کلاس درس است، راهکارهایی نیز در این خصوص مطرح شده که در رابطه با برقراری فضایی آرام و بدون اضطراب برای پرسش و پاسخ، گفت‌وگوی بین دانشجویان و اساتید و تنوع در فعالیت‌های فرهنگی و علمی دانشگاه هستند و از عوامل مؤثر در فراهم کردن بستر مناسب برای پرسشگری فلسفی دانشجومعلمان هستند.

مضمون ششم: راهکارهای مرتبط با حوزه محتوای آموزشی: این حوزه دارای دو مقوله و یازده مفهوم است. راهکارها در رابطه با تنوع بخشیدن به محتوای آموزشی و متناسب‌سازی آن با دنیای امروز است. اگر محتوا در تناسب با نیازهای دانشجویان و چالش‌برانگیز باشد، دانشجویان نیز به آن توجه کرده و سعی در کسب تجربه و پر بار کردن دانش و اطلاعات خود می‌کنند. در این خصوص برگزاری دوره‌ها و سفرهای علمی جهت ماندگار کردن مطلب نیز از راهکارهایی است که در رسیدن به روحیه پرسشگری فلسفی دارای نقش بسزایی است.

مضمون هفتم: راهکارهای مرتبط با حوزه شرایط اجتماعی و اقتصادی جامعه: این مضمون نیز دارای یک مقوله و چهار مفهوم است. یکی از چالش‌هایی که دانشجومعلمان با آن مواجه هستند کاهش انگیزه آنان پس از ورود به دانشگاه فرهنگیان برای درس خواندن و پرسشگری است و این امر در کمیت و کیفیت تحصیل آن‌ها مؤثر است. همچنین با توجه به شرایط فرهنگی و اجتماعی حاکم بر جامعه کنونی و وضعیت رفاهی و روانی معلمان، دانشجومعلمان نیز تلاش

چندانی جهت کسب شایستگی‌های لازم به خرج نمی‌دهند. در این راستا راهکارهایی از جمله توجه به خرده‌فرهنگ‌ها، مسائل اقتصادی و تحلیل و تبیین علل بی‌انگیزگی دانشجومعلم‌ان مورد توجه بوده‌اند. یعنی موارد اجتماعی و اقتصادی و... می‌توانند به‌عنوان محرک و خوراک گفت‌وگو مطرح شوند.

مضمون هشتم: راهکارهای مرتبط با حوزه روش‌های تدریس: از دیگر راهکارها مربوط به حوزه روش‌های تدریس است که براساس گفته‌های مصاحبه‌شوندگان، در دو مقوله و ده مفهوم دسته‌بندی شدند. روش تدریس یکی از عوامل مهم و اثرگذار در ایجاد علاقه فراگیر به مبحث و ترغیب به ادامه فرایند یادگیری است. چه بسا که مباحثی کسل‌کننده و سخت را بتوان با روش تدریس جذاب و مفرح به سهولت آموزش داد و با روش تدریس نامناسب و خسته‌کننده نیز نتوان از عهده مباحث ابتدایی و سطحی برآمد. در این خصوص راهکارهایی که بیان شده‌اند در رابطه با بهره‌گیری از روش‌ها و تکنولوژی‌های نوین در تدریس، مشارکت دانشجویان در امر تدریس و ایجاد فرصت تفکر و تأمل برای دانشجویان پس از طرح پرسش است تا زمینه پرسشگری هرچند با گام‌های کوچک نهاده شود و بیشتر به سمت طرح پرسش‌های فلسفی‌تر و حرفه‌ای‌تر گام بردارند.

مضمون نهم: راهکارهای مرتبط با حوزه سابقه آموزشی دانشجویان: این حوزه دارای دو مقوله و شش مفهوم است که در رابطه با مهارت‌هایی است که دانشجویان در طول آموزش و تحصیل خود کسب کرده و دیدگاهی که نسبت به انجام فعالیت دارد. در این خصوص غالب دانشجومعلم‌ان آگاهی و دانش و مهارت لازم را در خصوص چگونگی پرسش‌های فلسفی ندارند و بنابراین از پرسشگری فلسفی نیز کناره‌گیری می‌کنند. راهکارهایی که در این خصوص بیان شده‌اند مواردی هستند که در رابطه با توسعه تفکر انتقادی و خلاقیت در دانشجومعلم‌ان و به چالش کشیدن آرای آن‌ها و تلاش در جهت کسب مهارت‌های استدلال‌آوری و پرسشگری در کلاس درس است.

مضمون دهم: راهکارهای مرتبط با حوزه فضای مجازی: این حوزه نیز دارای یک مقوله و سه مفهوم است که در رابطه با تقویت سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی در عصر اطلاعات است. با عنایت به گسترش اینترنت و موتورهای جست‌وجوگر متفاوت و گسترش فضای مجازی و در دسترس بودن اطلاعات، دانشجومعلم‌ان کمتر به سمت پرسشگری و تفکر می‌روند و در کمترین زمان بیشترین اطلاعات را به دست می‌آورند. در این راستا پیشنهاد شده است تا آموزش مهارت سواد رسانه‌ای به دانشجویان صورت گیرد و دانشجویان از راه پرسشگری آن‌ها را نقد و تجزیه و تحلیل کنند. در نتیجه لازم است تا به فراگیران نحوه استفاده انتقادی و پرسشگرانه از رسانه‌ها و ابزارهای تولید محتوا آموزش داده شود.

بحث و نتیجه‌گیری

توانایی خلق و تولید پرسش‌های اندیشمندانه برای فهم خود و دنیایمان، مهم‌ترین ویژگی و مشخصه انسان بودن ما است. کودکان ما با عطش کنجکاوی و پرسش‌های بی‌شمار وارد مدرسه می‌شوند، اما این شوق دانستن و جست‌وجوگری، رفته‌رفته به دلایل متعدد از جمله ناآگاهی مربیان و والدین، کم‌رنگ بودن فرهنگ مواجهه با پرسشگری کودکان و نوجوانان، مواجهه غیرروشنمند با پرسشگری، عدم‌باور به موثر بودن پرسشگری، رواج و غلبه ذهنیت‌های سطحی و نادرست در مورد پرسشگری، برجسب‌زدن منفی به کودکان کنجکاو و پرسشگر، بی‌توجهی به پرسش‌ها و پرسشگر، ارائه پاسخ‌های آماده به پرسش‌ها، عدم‌تخصیص وقت برای گفت‌وگو با کودکان و نوجوانان، و... رنگ می‌بازد. در نتیجه، به مرور، آن‌ها افرادی مطیع و فرمانبردار بار خواهند آمد که به جای پرسشگری، کنجکاوی و گفت‌وگو، پذیرش بی‌چون‌وچرا را فرا می‌گیرند و این امر در تمام دوره‌های تحصیلی و دانشگاهی تکرار می‌شود؛ چراکه نظام آموزشی از پرسشگری آن‌ها استقبال نکرده است و این امر، در آینده، سبب منفعل شدن افراد در امور فرهنگی و اجتماعی نیز می‌شود.

در پاسخ به پرسش نخست پژوهش با عنوان دیدگاه دانشجومعلم‌ان در مورد چالش‌های مهارت طرح پرسشگری فلسفی در دانشجومعلم‌ان چیست؟ یافته‌ها حاکی از ۱۰ مضمون، ۲۰ مقوله و ۴۸ مفهوم است. مضمون مربوط به دانشجومعلم‌ان بیشترین (۱۷ مفهوم) و مضمون فضای مجازی کمترین مفهوم (۱ مفهوم) را شامل می‌شود که نشان می‌دهد یک مانع اصلی روی‌آوری به پرسشگری فلسفی در میان دانشجومعلم‌ان، خود آن‌ها هستند. هرچند عوامل دیگری مانند حوزه آموزش، خانواده، اساتید، محیط اجتماعی و ... در عدم طرح پرسشگری فلسفی میان دانشجویان اثرگذار بوده است؛ کاری که صرفاً مربوط به آموزش و یا روش آموزشی یا محتوای آموزشی نیست، بلکه به باورهای فرهنگی و شرایط متعددی که فرد در آن قرار می‌گیرد نیز بستگی دارد و نیازمند فراهم کردن فرصت و زمینه مناسب جهت تقویت این ویژگی در افراد است.

انتزاعی‌بودن مفاهیم و اصطلاحات فلسفی، عدم‌مطالعه کافی در حوزه فلسفه، عدم‌درک اهمیت و ضرورت مهارت پرسشگری، غیرکاربردی تلقی کردن مهارت پرسشگری، و به‌نوعی مقاومت در برابر پرسشگری و سؤال پرسیدن از خود موانعی هستند که دانشجومعلم‌ان را از طرح پرسشگری فلسفی دور می‌کند که البته این موارد به آگاهی یا علاقه آن‌ها به فلسفه و کنجکاو شدن در همه امور نیز مرتبط است. به این صورت که تا دانشجومعلم‌ان خود میل و اراده مطالعه و بالا بردن آگاهی و معلومات لازم برای پرسشگری فلسفی را نداشته باشند نمی‌توان از آن‌ها انتظار سطح عملکرد و مهارت پرسشگری بالایی را داشت. این امر، البته معلول علل متعددی است. از جمله، پخته‌خواری نسل جدید در سایه‌سار رشد ناروشمند، فضای مجازی، ابزارانگاری علم و امور انضمامی، آشفتگی فکری، عدم‌مهارت در پرسشگری، پراکنده‌خوانی و پراکنده‌دانی و البته

تحلیل‌های سطحی و غیرمستدل، همچنین تمایل افزون این نسل به سرمایه‌داری، تک‌ساحتی بودن، تعجیل در دستیابی به اهداف، نگرش متغیر تابع بازار داشتن و البته عدم‌آموزش‌ها و تاکیدات دقیق و عمیق در حوزه پریشگری و عدم‌دسترسی به متون فلسفی عمیق و دقیق و... از همین روست که دانشجومعلم‌ان در وهله نخست بین «پرسیدن به‌طور کلی» و «پریشگری فلسفی» تمایزی قائل نبودند و چه بسا، عدم‌درک این مسائل، به‌علت فراروی از امور عینی، برای آن‌ها مسئله‌ای زائد و غیرکاربردی و نالازم جلوه کرده است. علاوه‌بر این، فضای مجازی، احتمالاً به آن‌ها احساس همه‌دانی داده است و چون آموزش‌ها و در نتیجه، محتوای ذهنی آن‌ها، حول محور برخی از مهارت‌های انضمامی مانند استدلال‌آوری، استدلال‌خواهی، نه گفتن، گوش دادن، گزینه‌گویی، مخالفت‌کردن مستدل، احترام به‌گوینده، مهارت تفکیک و تمیز، عدم‌ادغام مسائل در مسئله واحد، دیگرخواهی، همدلی، تصور مسائل از نگره دیگری و... نمی‌چرخد، بنابراین قدرت طرح و درک پریشگری فلسفی را ندارند.

همچنین تفاوت فرهنگی و تربیتی خانواده‌ها در چگونگی برخورد با پریش‌های کودکان تأثیر قابل ملاحظه بر میزان پریشگری فلسفی آنان در دوران نوجوانی و جوانی می‌گذارد. از این‌رو می‌توان گفت که ضعف مهارت‌هایی مانند استنباط و تجزیه‌وتحلیل در دانشجومعلم‌ان که ناشی از آموزش‌های نادرست در دوره‌های مختلف زندگی در مدرسه، جامعه و خانواده است، منجر به کاهش روحیه نقادی و تفکر انتقادی در آن‌ها شده است. چه بسا، خانواده‌ها، بنابه دلایل مختلف، خود از موانع اصلی پریشگری فلسفی‌اند از جمله، سطحی‌نگری، پراکنده‌اندیشی، بازاری‌اندیشی، عدم‌تمیز مسائل اصلی از مسائل فرعی، آموزش‌های ضعیف، طرد و بی‌توجهی موروثی به مسائل اصلی و فکری و فلسفی، ناکارآمد پنداشتن مسائل فلسفی، روی‌آوری به مسائل مادی صرف و... بعلاوه، عدم‌تقویت انگیزه و فرهنگ کار ذهنی در دانشجومعلم‌ان از سوی خانواده‌ها و معلم‌ان آن‌ها در مقاطع پایین‌تر به شیوه‌های مختلفی مانند آموزش مداوم شیوه‌های اندیشیدن، تردیدکردن، استدلال‌آوری، توجه دادن به جایگاه و ضرورت انواع پریشگری فلسفی، منجر به ضعف شناسایی علائق و استعدادها و نیازها و نگرش‌های دانشجویان در دانشگاه‌ها شده است. برای جبران این امر، گسترش روحیه کار گروهی و کارگاهی در این زمینه در کلاس‌های درس، بسیار مهم است.

بنابراین با توجه به نتایج پژوهش، گرچه بنابر دلایل مختلف، حس و انگیزه پریشگری به‌طور کلی و پریشگری فلسفی به‌طور خاص در میان دانشجومعلم‌ان ضعیف است، اما با زمینه‌سازی در بستر فضای آموزشی از طرف خانواده‌ها، نظام آموزشی و آموزش عالی توسط اساتید در دانشگاه‌ها، طراحی محیط آموزشی مناسب، در اختیار قراردادن محتواهای عمیق‌تر، دقیق‌تر، مستند و مستدل‌تر و همچنین کاربست روش‌های آموزشی و تدریس متنوع‌تر و به‌روزتر، آشناسازی دانشجومعلم‌ان با اهمیت و جایگاه پریشگری در بهبود رشد فرایندهای ذهنی (فرهنگ پریشگری)، همچنان

می‌توان این حس و مهارت را مجدداً در آن‌ها زنده کرد و از این راه با ایجاد تغییرات ژرف و مهم، همواره انسانی پرسشگر، فعال و متفاوت‌تر تربیت کرد. اما این امر، هم زمان‌بر و هم هزینه‌بر خواهد بود. بعلاوه، مستلزم تربیت نسلی نو از نومعلمانی که دارای مهارت‌های متعدد از جمله مهارت‌های حوزه تفکر انتقادی باشند، است و البته شناسایی افرادی علاقه‌مند و «اهل خردورزی».

در پاسخ به پرسش دوم پژوهش با عنوان چه راهکارهایی برای برون‌رفت از این مشکل از نگره خود دانشجویان وجود دارد؟ یافته‌ها بیانگر شناسایی ۹۰ مفهوم در این زمینه بود. مواردی که در ۱۹ مقوله و ۱۰ مضمون مورد دسته‌بندی قرار گرفتند. راهکارها در ارتباط با حوزه آموزش و محیط آموزشی، اساتید و دانشجومعلمانی، خانواده و محیط اجتماعی بود. آنچه حائز اهمیت است این است که مهارت‌های پایه و بنیادی مانند گوش‌دادن، حل مسئله، استدلال‌آوری و استدلال‌خواهی و مهارت نه‌گویی که نقش اساسی در تقویت مهارت‌های دیگر و سطح بالاتر مانند تفکر نقادانه و خلاقانه دارند در دانشجومعلمانی بسیار ضعیف است و یکی از راهکارهای اساسی در مهارت پیدا کردن در طرح پرسشگری فلسفی تقویت مهارت‌های بنیادی مذکور در فرد است. اما گمان این مهارت‌ها در نسل نو (نسل زد)، امری سخت‌تر خواهد بود. چراکه آنها دارای پراکندگی فکری و سطحی بودن بیشتری هستند. البته معلولیت این امر، تنها محدود و خاص خود این نسل جدید از دانشجویان نیست. بدین معنا که هم دیگران را نیز شامل می‌شوند و هم «دیگرانی» غیر از خود آن‌ها نیز در این مورد دخیل و درگیراند. از جمله، شرایط زمانه، محتواهای درسی، تعدد منابع یادگیری و یاددهی، ناروشمندی در خردورزی، غلبه و سرایت برخی ناهنجاری/آسیب‌های ذهنی مانند استرس و... از دیگر راهکارهای بیان‌شده عبارت‌اند از تقویت مهارت‌هایی مانند: ایجاد فرصت برابر برای فکرکردن، زمان دادن برای اندیشیدن به پرسش‌ها و عدم پاسخ بلافاصله بعد از طرح پرسش، فرهنگ‌سازی برای پرسشگری و چگونگی مواجهه با پرسش‌های کودکان در میان خانواده‌ها در کارگاه‌های فرزندپروری و فلسفه برای کودکان^۱، تقویت مهارت احتمال‌بینی و نسبی‌نگری معرفتی و چندعاملی‌نگری در راه‌حلیابی در مواجهه با یک مسئله، به‌ویژه به‌طور عملی و به‌هنگام رسیدن به بن‌بست‌های زندگی که خود مستلزم پرسیدن سؤال و پرسشگری است. چراکه مهارت پرسشگری با مهارت برقراری ارتباط اجتماعی رابطه مستقیمی دارد. بهره‌گرفتن از خلاقیت‌های ذهنی و در قیدوبند برخی از انتظارات دیگران نبودن نیز می‌تواند در پشت سر گذاشتن موانع پرسشگری مؤثر باشد. همچنین اساتید و پژوهشگران در زمینه‌های چگونگی اجرای مهارت پرسشگری در کلاس‌های درسی، چگونگی سرایت آن به سطح مدارس، راه‌های فرهنگ‌سازی و آموزش خانواده‌ها درخصوص مهارت پرسشگری، تبیین تفاوت‌های بین کودکان پرسشگر و غیرپرسشگر، چگونگی طراحی محتواهای آموزشی مؤثر و تفکربرانگیز، تبیین

^۱. Philosophy for Children (P4C)

روش‌های مؤثر در آموزش مهارت پرسشگری، سنجش دقیق تأثیر شرایط اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی غالب بر جوامع در کاهش/افزایش این مهارت، به پژوهش‌های علمی بپردازند. همچنین برای ایجاد تغییر در نگاه به بحث پرسشگری، لازم است تا رسانه‌های دیگر نیز مانند تلویزیون و مجلات و... فرهنگ‌سازی کنند تا تغییر نگرشی در افراد جامعه صورت بگیرد. بنابراین به تناسب زمان و شرایطی که فرد در آن قرار دارد، راهکارها متفاوت‌اند و گرچه دانشجویان فاقد روحیه و انگیزه پرسشگری فلسفی هستند، اما این امر قابل برطرف شدن و امری شدنی است و نیاز به تلاش چندجانبه دارد. نکته درخور توجه این است که می‌توان این مهارت را در هر سطح اجتماعی به کار برد و راهکارهای آن را متناسب با شرایط به کار گرفت تا با درگیر کردن فکر سبب تحول در یادگیری و تعلیم و تربیت شد.

در این راستا بخشی از نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش Ganji et al. (2012) هم‌سو است. چراکه هر دو خلاقیت را از شاکله‌های اصلی پرسشگری، تنوع و در نتیجه عمیق‌تر شدن فرد می‌دانند که در این راستا Ganji et al. (2012) بیان کرده‌اند: آموزش مهارت‌های پرسشگری و توضیح‌دادن به معلمان باعث افزایش خلاقیت دانش‌آموزان می‌گردد و آموزش مهارت‌های پرسشگری به معلمان باعث افزایش زیرمقیاس‌های خلاقیت در دانش‌آموزان شده است. همچنین نتیجه پژوهش حاضر با پژوهش Hayati et al. (2018) هم‌سو است و هر دو پژوهش در نتیجه‌گیری‌هایشان در این که خانواده تأثیر مهمی در تقویت روحیه پرسشگری کودکان از همان ابتدا دارند، مشترک هستند. نتیجه پژوهش حاضر با یافته‌های Ebrahimi and Mehrmohammadi (2020/1399) تقریباً هم‌سو است؛ چراکه در هر دو پژوهش این نتیجه حاصل شد که پرسشگری دانش‌آموزان اغلب نادیده گرفته می‌شود و این مهارت مهم باید با فرهنگ‌سازی درست خانواده و مدارس، آموزش داده و سپس تقویت شود و نباید اجازه داد این ویژگی در سایه رویکرد سنتی حاکم بر مدارس شفافیت و درخشندگی خود را از دست بدهد. همچنین نتیجه پژوهش حاضر با پژوهش Haynes (2007) تقریباً هم‌سو است که در آن به این موضوع اشاره شده که مشارکت در پرسش‌های باز از سوی شاگردان منجر به افزایش عزت‌نفس یادگیرندگان می‌شود و دارای تأثیر مثبت بر توانایی شناختی استدلال است و سرانجام نتایج این پژوهش با پژوهش Chin and Osborne (2008) نیز تقریباً هم‌سو است. چراکه این پژوهشگران به این نتایج دست یافتند که برای معلمان نیز این نوع و میزان از پرسش‌ها می‌تواند به‌عنوان شاخصی جهت بررسی مشکلات یادگیری دانش‌آموزان استفاده شود. همچنین می‌توان از پرسش‌های دانش‌آموزان برای درس‌هایی که شامل بحث، پژوهش، یادگیری مسئله‌محور و کار پروژه می‌شوند استفاده کرد (Chin & Osborne, 2008).

نکته قابل ذکر در پژوهش حاضر این است که پاسخ‌های این پژوهش براساس جنسیت

دانشجویان مورد بررسی قرار نگرفته است، اما این امکان وجود دارد که مهارت پرسشگری فلسفی در میان دانشجویان زن و مرد دارای تفاوت معنی‌داری باشد. همچنین این یافته‌ها به دانشجویان دوره کارشناسی محدود شده است و جا دارد که دوره‌های تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌های دیگر مورد بررسی قرار گیرد.

براین اساس به پژوهشگران علاقه‌مند در حوزه علوم تربیتی پیشنهاد می‌شود تا این مهارت کلیدی را در دوره‌های تحصیلی بالاتر نیز مورد کنکاش قرار دهند تا براساس آن سیاست‌های لازم اتخاذ شود. همچنین برای تقویت روحیه پرسشگری فلسفی دانشجویان شایسته است خانواده‌ها تعامل سازنده و پویا با فرزندان خود داشته و روحیه پرسشگری و کنجکاوانه آن‌ها را سرکوب نکنند. همچنین نهادهای تربیتی و آموزشی با تغییر رویکردهای آموزشی و تربیتی و فراهم کردن فرصت‌های پرسشگری، این ویژگی را در دانش‌آموزان تقویت کنند. همچنین می‌توان با برگزاری دوره‌های مختلف و کاربردی و عملی در قالب سفرهای علمی یا با استفاده از بازی‌های متناسب سن بزرگسالان این مهارت را در دانشجویان تقویت کرد.

سپاسگزاری

نویسندگان لازم می‌دانند تا از مشارکت کنندگان در پژوهش قدردانی نمایند.

منابع

- Bavari, N., Sepahvand, S., Sarvari, M., & Sharifi, H. (2023). The effectiveness of critical thinking training on academic emotions and academic well-being of sixth-grade male students. *Studies in Learning & Instruction*, 15(1), 211-225. [In Persian]
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101. DOI:10.1191/1478088706qp063oa.
- Chin, C., & Osborne, J. (2008). Students' questions: A potential resource for teaching and learning science. *Studies in Science Education*, 44(1), 1-39.
- Ebrahimi, N., & Mehrmohammadi, M. (2020/1399). *Education for asking: An introduction to question-oriented educational theory*. Tehran: Nashr-e-Ni. [In Persian]
- Elder, L., & Paul, R. (2019/1398). *The art of asking essential questions: Based on critical thinking concepts and Socratic principles*. Translated by Ali Saheb-Al-Zamani. Tehran: Akhtaran. [In Persian]
- Etemadzadeh, A., Seifi, S., & Far, H. R. (2013). The role of questioning technique in developing thinking skills: The ongoing effect on writing skill. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 70, 1024-1031.
- Ganji, K., Dinarvand, H., & Abootalebi, H. (2012). The effectiveness of questioning and explaining skills training to teachers on creativity of high school students. *Journal of Innovation and Creativity in Human Science*, 2(3), 137-167. [In Persian]
- Gharibi, H., Adib, Y., Fathiazar, E., Hashemi, T., Badri Gargari, R., & Gholizadeh, Z. (2013). The effect of strategic teaching of thinking on questioning in male fifth

- graders in Sanandaj. *Tafakkor va Kudak (Thinking and Children)*, 4(7), 79-92. [In Persian].
- Hayati, A., Assareh, P. D., Zakariyai, P. D., Heidari, R., & Heidari, A. (2018). Identifying family barriers to student questioning in primary school. *Quarterly Journal of Family and Research*, 15(3), 127-146. [In Persian]
- Haynes, J. E. (2007). Thinking together: Enjoying dialogue with children. In D. Hayes (Ed.), *joyful teaching and learning in the primary school* (pp. 17-27). University of Plymouth.
- Jafari, F., & Liaqatdar, M. J. (2013). The spirit of questioning factors and the fields of its realization. *Technology Growth*, 29(1), 14-17. [In Persian]
- Keyvani Hafshejani, A. (2012). *(A general study on) How to develop the spirit of thinking and probing in students of forth grade in elementary schools of Tehran, 11 District* (Master's thesis). Faculty Education Science, Payame Noor University. [In Persian]
- Khanifar, H., & Muslimi, N. (2019). *Principles and basics of qualitative research methods: A new and practical approach (Volume 1)*. Tehran: Negah Danesh. [In Persian]
- Klock, D., & Martin, R. (2008/1387). *Asking is more important than answering: An introduction to philosophy*. Translated by Hamideh Bahraini, Tehran: Hermes. [In Persian]
- Roohi, M., Dehghani, M., & Khatat, M. (2023). Identifying the components of computational thinking in the learning skills of elementary school. *Studies in Learning & Instruction*, 15(1), 16-45. doi: 10.22099/jsli.2023.7180. [In Persian]
- Sajadieh, N., & Tusian Khalilabad, S. (2017). Understanding, questioning and class from the perspective of Gadamer; question-based explanation of the teaching process. *Journal of Foundations of Education*, 6(2), 41-62. [In Persian]
- Shahabadi, A., Ahghar, P. D., & Beheshti, P. D. (2016). The impact of Quranic stories on students' questioning skills. *Quarterly Journal of Family and Research*, 13(3), 33-46. [In Persian]
- Shakibae, Z., Goliji, Y., & Khalatbari, J. (2011). The effect of Molana's Masnavi Manavi Anecdotes on the degree of adolescents' philosophical probing skill. *Journal of Educational Administration Research Quarterly*, 2(2), 117-134. [In Persian]
- Yagoubi, A. (2009). Strengthening the spirit of questioning. *Technology Growth*, 1, 38-39. [In Persian]

Extended Abstract

Challenges of Learning the Skill of Philosophical Questioning among Students and Providing Solutions for it

Mazhar Babae*, Hedyeh Azagh**

Introduction: The art of questioning is considered as the most effective tool in the field of education. If questions are used appropriately and at the right time, they can be useful everywhere for all situations and all types of learning (Sajadieh & Tusian Khalilabad, 2017). Today, what can be observed in the educational systems is that despite accepting the assumption that thinking opens the way for education, there is not much desire to encourage students to question and think (Shabani, 2008, cited in Keyvani Hafshejani, 2012). A research entitled "Identifying Family Barriers to Student Questioning in Primary School" by Hayati et al. (2018), has been done in which he states that the factor of "not encouraging children to ask questions and not accompanying them in scientific matters" is one of the most important family obstacles affecting primary school students' questioning. In another study conducted by Chin and Osborne (2008) under the title "Students' questions: a potential resource for teaching and learning science", The results showed that the students' questions can help them monitor their learning, explore and frame their ideas, guide their thinking in certain directions.

Based on such contexts, the main goal of the current research is to analyze the challenges facing philosophical questioning skills among student teachers. Therefore, this research sought to answer these questions: 1. What are the views of student teachers about the challenges of learning the skill of philosophical questioning in student teachers? 2. What solutions are there to overcome this challenge from the point of view of student teachers?

Method: Since the current research is practical in terms of purpose and qualitative in terms of approach. Therefore, according to the purpose and questions, the method of thematic analysis according to the method of Braun and Clarke (2006) and the semi-structured qualitative interview tool and available sampling were used. The field of research included female and male student teachers in the third and fourth semesters of Farhangian University in the campuses of Kurdistan province in the academic year of 1401-1400. The sample size includes 54 student teachers (33

* Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran. (Corresponding Author). m.babaie@cfu.ac.ir

** M. A. in Elementary Education, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran. hedyeh.1376a@gmail.com

women and 21 men) with an age range of 19-24 years, who were selected in the undergraduate course of educational sciences.

Results: The findings of the obstacles of students' philosophical questioning plan include 10 themes, 20 categories and 48 concepts. A summary of this part of the findings is presented in Table 1.

Table 1. Obstacles of philosophical questioning from the perspective of student teachers

theme	code	category	Concept
Reasons related to the student field	1-1	Stereotyped thinking	Resistance to change
	1-2	Not knowing the strengths and weaknesses in the field of philosophical questioning	Fear of being ridiculed
	1-3	Reluctance to explore deep philosophical issues	Not paying for philosophical exploration
Reasons related to family	2-1	Behavioral patterns of parents in non-questioning	The position of the teachers' family environment
Reasons related to the field of professors	3-1	Prejudice and prejudice	The authoritative authority of the professors
	3-2	Inability to handle challenging questions	Ignoring students' questions
Reasons related to the field of educational environment	4-1	Limitation of interaction and freedom in questioning students	Students are not allowed to ask questions about any topic
Reasons related to the field of teaching methods	5-1	Inappropriate educational approaches that limit creativity	The habit of looking for the right answer

In the second part, solutions for approaching philosophical questioning were collected in 10 themes, 19 categories and 90 concepts. A summary of the solutions proposed by the student teachers is presented in Table 2.

Table2. Solutions for approaching philosophical questioning from the perspective of student teachers

theme	code	category	Concept
Solutions related to the student field	1-1	Creating a dynamic and evolving perspective in students	Promoting a fluid view of knowledge
	1-2	Promoting critical thinking and dialogue culture in the classroom	Giving student teachers the opportunity to think and write
Solutions related	2-1	Promoting open and	Encouraging questioning in

to the family area		philosophical dialogue between children and parents	the family
Solutions related to the field of professors	3-1	Providing an interactive space for mutual learning	Using professors from various teaching methods
Solutions related to educational content	4-1	Attention to the variety of educational materials to enrich learning experiences	Designing scientific trips along with course content
	۴-۲	Designing educational content that is attractive and relevant to today's world	Need assessment of students regarding this area
Solutions related to the field of virtual space	5-1	Strengthening media literacy in the information age	Teaching media literacy skills to students

Discussion and Conclusion: The results show the challenges of philosophical questioning skills in student teachers one of the main obstacles to turning to philosophical questioning among student teachers is themselves. This, of course, is the result of several reasons. Among them, the complacency of the new generation in the shadow of unsatisfying growth, virtual space, fragmentation and of course superficial and unsubstantiated analyses. Also, the cultural and educational difference of families in how to deal with children's questions has a significant effect on their philosophical questioning during adolescence and youth. The findings from the solutions to overcome this problem from the students' point of view show that one of the basic solutions in finding skills in philosophical questioning is to strengthen basic skills. Other solutions mentioned include strengthening skills such as: creating equal opportunities for thinking, giving time to think about questions, creating a culture for questioning, etc. Therefore, the solutions are different according to the time and conditions in which the person is and although students lack the spirit and motivation of philosophical questioning; But this is something that can be addressed and requires a multilateral effort. In this regard, Ganji et al.'s research results (Ganji et al, 2012) are in line with some of our research results. Because both of them consider creativity to be one of the main forms of questioning, diversity and as a result deepening of the individual. Also, the result of the current research is almost consistent with Haynes' research (Haynes, 2007). Because it showed that students' participation in open questions leads to an increase in learners' self-esteem.

Keywords: challenges, learning, Philosophical questioning skills, solutions



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې
پرتال جامع علمون انساني